



Statistical Analysis of Historical Citations Regarding Āshūrā Used in *Madīna Ma'ājiz al-a'īmma al-'asnā- 'ashar*

Dr. Mohammadreza Barani, Assistant Professor, Alzahra University (**Corresponding Autor**)

Email: m.barani@alzahra.ac.ir

Sahar Naamati, Third Level Seminary Graduate, History of Islam

Abstract

Conducting the mourning rituals of Āshūrā and Āshūrānegāri were highly useful practices in order to preach Shī'ism and Shī'a doctrines during the Ṣaffavīd period. Among such works, Buḥrānī's *Madīna Ma'ājiz al-a'īmma* played a crucial role. Therefore, it proves necessary to analyse the citations used in this work in reference to Shī'a resources.

The present essay adopts the mixed method of research. Data is collected through library research, while statistics and citations are provided in tables and charts in order to recognize the citation rate after counting the number of citations to Shī'a and Sunnī resources. The study reveals that 95% of the book's citations refer to Shī'a resources, with the remaining 5% referring to Sunnī resources. All in all, the book does not hold a high academic standing because it has made use of unreliable contemporary resources. Buḥrānī has used such resources in an act of favoring Sunnī manuscripts and as a kind of ultimatum presented to the Sunnis. Most of the Shī'a resources used by Buḥrānī are related to rituals, pilgrimage, and manāqib. On the other hand, most Sunnī resources cite and refer to historical events.

Keywords: Hāshīm Buḥrānī, *Madīna Ma'ājiz*, Pilgrimage and Virtue Books, Historical books



HomePage: https://jhstory.um.ac.ir	سال ۵۲ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۵ - پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۹۱ - ۱۲۳
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۳۴۱	شاپا چاپی x ۷۰۶-۲۲۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴
DOI: https://doi.org/10.22067/jhstory.2022.71844.1067	نوع مقاله: ترویجی

بررسی آماری استنادات گزارش‌های تاریخی مدینه معجزه الأئمة الاثني عشر درباره عاشورا

دکتر محمدرضا بارانی (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه الزهراء (س)

Email: m.barani@alzahra.ac.ir

سحر نعمتی

دانش آموخته سطح سه حوزه، گرایش تاریخ اسلام

چکیده

برگزاری آیین سوگواری عاشورا و عاشورانگاری در دوره صفوی برای تقویت تشیع و آموزه‌های شیعی در ایران بسیار راهگشا بود. در میان این آثار، کتاب *مدینه معجزه الأئمة بحرانی* نقشی مهم داشت. از این روی بررسی استنادات این اثر به منابع شیعی سنی ضروری می‌نماید.

در این نوشتار، این کار با روش تلفیقی یعنی گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و ارائه آمار استنادات با جدول و نمودار صورت گرفته تا پس از بررسی میزان استناددهی این اثر به منابع شیعی و سنی، جایگاه استنادی آن روشن گردد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، ۹۵٪ استنادات این کتاب به منابع شیعی و ۵٪ به منابع سنی بوده است. کل این کتاب با توجه به بهره‌گیری از منابع نامعتبر و هم‌دوره خود، از جایگاه علمی بالایی برخوردار نیست. بحرانی برای نشان دادن نوعی همسویی با متون سنی برای اتمام حجت بر اهل سنت، به آن‌ها استناد کرده است. در میان منابع شیعی که بحرانی از آن‌ها سود برده است، آثار مربوط به مناسک، زیارات و مناقب بیشترند. در میان منابع اهل سنت نیز منابع تاریخی بیشتر مورد رجوع و استناد بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: هاشم بحرانی، مدینه معجزه، آثار زیارات و مناقب، آثار تاریخی

مقدمه

کتاب مدینه معجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجاج علی البشیر به دست سیدهاشم بحرانی (۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ قمری) از فقیهان، محدثان و مفسران شیعه بحرین^۱ در دوره صفویه و سده یازدهم هجری نگاشته شده است.^۲ یکی از عوامل کمک کننده به شاهان صفوی برای پایداری پایه های حکومت، برپایی مجالس سوگواری امام حسین (ع) بوده است و کتاب مدینه المعاجز در بردارنده احادیثی درباره امامت امامان (ع) بوده و درباره معجزات امام حسین (ع) و عاشورا گزارش هایی دارد و با توجه به اینکه کتاب یاد شده در سده دهم بوده و از مصادر اولیه فاصله دارد؛ این پرسش مطرح است که کتاب مدینه معجز الأئمة در زمینه نگارش عاشورا از لحاظ استناد به متون کهن علمی و تاریخی چه جایگاه علمی دارد؟

ملاک در این نوشتار بررسی منابع استنادی بحرانی بر اساس مذهب نویسندگان منابع است و نوع رویکرد آنان نسبت به امام حسین (ع) بررسی نخواهد شد و اگر برخی آثار عالمان اهل سنت رویکردشان درباره امام (ع) فراتر از نگاه شیعه باشد، از بحث این نوشتار بیرون است.

این پژوهش در پی آن است که با توجه به بستر نگارش مدینه معجز در دوره صفویه، به این پرسش ها پاسخ دهد؛ کتاب مدینه معجز چه میزان به مصادر شیعی و سنی و به چه گونه هایی از این منابع استناد داده و کدام سده ها بیشترین میزان استناد را در این کتاب داراست؟ چه دلایل زمینه ای و متنی در نگارش عاشورا سبب استناد به متون اهل سنت شده است؟ فرضیه این است که سیدهاشم بحرانی در نگارش عاشورا، از گزارش های متون شیعی و سنی یکسان بهره برده و از سویی بیشترین میزان استناددهی را از میان گونه های مختلف منابع، به متون روایی و سپس تاریخی داشته و به متون کهن اولیه کمتر از منابع دست دوم یعنی سده های نزدیک به دوره صفویه استناد داده شده است. هم چنین بحرانی گزارش ها را بدون بررسی مصادر روایی منابع اهل سنت و به عنوان دیدگاه همسوجویانه مخالفان آورده است.

درباره پیشینه پژوهش گفتنی است که درباره این عاشورانگاری دوره صفویه آثاری وجود دارد. مقاله «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری از آغاز تا عصر حاضر (قسمت سوم)» نوشته محسن رنجبر،^۳ به بررسی و تحلیل برخی از آن ها پرداخته است اما درباره مدینه المعاجز مباحثی را بررسی نکرده است.

۱. مطابق نقشه جامعی که از دوره عثمانی به دست آمده است، بحرین در دوره صفویه جزء سرزمین ایران بود. صدری و نیکبخت، «نقشه ای مهم از ایران عصر صفوی موجود در آرشیو عثمانی» ۱۱۷۱؛ افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۲۹۸/۵.

۲. افندی اصفهانی، همان، ۳۰۰/۵.

۳. رنجبر، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۳)»، ۸۳-۱۲۱.

چنانچه ایشان در کتاب جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل^۱ عاشورانگاری‌های عصر صفوی را بررسی نموده‌اند و قرائت‌های آن را تحلیل کرده‌اند اما از مدینه المعاجز مباحثی را مطرح نکرده‌اند. با توجه به جستجوهای انجام شده، تاکنون پژوهشی درباره این اثر انجام نشده است. اما پژوهش کنونی با رویکردی نو و متفاوت نسبت به پژوهش‌های انجام شده در زمینه عاشورا قصد دارد با روش آماری از میزان استناد این کتاب به مصادر شیعی و سنی ارائه داده و سپس دلایل استناد به منابع سنی را بررسی کند. بررسی این مسئله مورد اهتمام پژوهشگران نبوده و این زاویه دید درباره کتاب‌های دوره صفوی درباره عاشورا نو است.

۱. نویسنده و نگارش مدینه المعاجز

سیدهاشم بن سلیمان بن اسماعیل الحسینی البحرانی الکتکاتی التوبلی (منسوب به «توبلی» و «کتکان» از قراء بحرین)، مشهور به «البحرانی» و از فقیهان، محدثان و مفسران شیعه در سده یازدهم بود. درباره تاریخ ولادت این دانشمند دینی خبر دقیقی در دست نیست اما وی از نوادگان سیدمرتضی علم الهدی شمرده می‌شود و نسبش به امام کاظم (ع) می‌رسد.^۲ بحرانی پس از دانش آموختگی در زادگاهش به نجف اشرف رفت و از شاگردان فخرالدین طریحی بود و از او اجازه روایت داشت.^۳ همچنین سیدعبدالعظیم بن عباس استرآبادی از علمای اخباری نیز به بحرانی اجازه نقل روایت داد. چنان که بحرانی در پایان کتاب بمصاییح الانوار به این امر تصریح دارد.^۴

وی از شاگردان محمدباقر مجلسی نبوده، بلکه عبدالله بحرانی صاحب عوالم العلوم از شاگردان مجلسی بوده که به سبک مجلسی بهره برده و از منابع بحار و با محوریت بحار، کتاب خود را نگاشته است. هاشم بحرانی پس از تحصیل علوم دینی و تألیف کتب متعددی به زادگاهش بحرین بازگشت و مرجعیت دینی و اجتماعی مسلمانان بحرین را پس از وفات شیخ محمد بن ماجد بحرانی برعهده داشت.^۵ آثار مشهور هاشم بحرانی کتاب تفسیر، البرهان فی تفسیر القرآن است.^۶ وی این تفسیر را به شاه سلیمان صفوی

۱. رنجبر، جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل.

۲. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۲۹۸/۵.

۳. افندی اصفهانی، همان، ۳۰۴/۵.

۴. خوانساری، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ۱۸۳/۸.

۵. خوانساری، همان، ۱۸۱/۸.

۶. ر.ک. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۲۹۹/۵-۳۰۰.

هدیه داد.^۱ شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه از شاگردان او بود.^۲ بحرانی در سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ هجری درگذشت و در زادگاهش به خاک سپرده شد.^۳

بحرین زادگاه هاشم بحرانی در آن دوره زیر مجموعه حاکمیت صفویه بود.^۴ این دوره پس از دوره اقتدار حکومت صفوی یعنی پس از چهل سال حاکمیت شاه عباس در سال ۱۰۳۸ هجری و با روی کار آمدن شاه صفی اول، نوه شاه عباس آغاز شد. وی شایستگی شاه عباس را نداشته و از روی بی تجربگی و انتقام جویی های جنون آمیز از خاندان های ایرانی، سبب هجوم امپراتوری عثمانی به مرزهای ایران شده و پیمان صلح زهاب در ۱۰۴۹ هجری بسته شد.^۵ پس از شاه صفی، شاه عباس دوم به سلطنت رسید و با اینکه در کودکی به پادشاهی رسید، توانست تا اندازه ای اقتدار شاه عباس اول را زنده کند. اما پس از وی و با روی کار آمدن شاه سلیمان و سپس شاه سلطان حسین و بی کفایتی آنان، سلسله صفویه فروپاشید.

فرمانروایی صفویه در همه فراز و فرودها از مذهب تشیع و عالمان شیعه پشتیبانی می کرد و سیاست های فرهنگی و مذهبی شاه سلیمان صفوی، ادامه سیاست های شاه عباس بود. چنانچه در این دوره تعادل مطلوب دو نهاد مذهب و سیاست در سنت کشورداری ایرانی که در دوره شاه عباس اول به اوج خود رسیده بود، همچنان به سود نهادهای دینی ادامه یافت.^۶ ارتباط تنگاتنگ عالمان و دربار از همان ابتدای پادشاهی شاه سلیمان نمایان است. چنانچه به نقل از خاتون آبادی، ملا محمدباقر سبزواری از عالمان آن زمان خطبه سلطنت وی را با فصاحت بلیغه خواند.^۷ محمدباقر مجلسی از علمای دوره شاه سلیمان به مقام شیخ الاسلامی اصفهان دست یافت و در دوره شاه سلطان حسین نیز بر همین سمت منصوب شد.^۸

نفوذ علما در دستگاه حکومتی دوره پایانی صفوی تا اندازه ای بود که آنان شاه سلیمان را به دلیل اعمال خلاف شرع به باد انتقاد می گرفتند. شاردن در سفرنامه خود نمونه ها و داستان هایی از آن را یاد کرده و اذعان دارد که اهل منبر و اهل ادب میز و ممتاز را دیده است که بر این اعتقاد بودند.^۹ از طرفی علمای بحرین

۱. افندی اصفهانی، همان، ۳۰۱/۵.

۲. افندی اصفهانی، همان، ۳۰۰/۵.

۳. افندی اصفهانی، همان، ۲۹۸/۵-۳۰۴؛ بحرانی، لؤلؤة البحرين فی الإجازات و تراجم الرجال الحديث، ۶۴.

۴. ر.ک. صدری و نیکبخت، «نقشه ای مهم از ایران عصر صفوی موجود در آرشيو عثمانی»، ۱۱۷۱-۱۱۷۵.

۵. پیرزاده زاهدی، سلسله النسب صفویه، ۷۳.

۶. سیوری، ایران عصر صفوی، ۳۴۵.

۷. خاتون آبادی، وقایع السنین و الاحوام، ۵۲۹.

۸. میراحمدی، دین و مذهب در عصر صفوی، ۶۱.

۹. شاردن، سفرنامه، ۸۲/۲.

طبق سیاست فرهنگی صفویان مورد پشتیبانی زمامداران صفوی بودند. در نتیجه بحرین پس از عراق و ایران سومین و بزرگ‌ترین حوزه علمیه شیعه در جهان اسلام بود. توبلی زادگاه هاشم بحرانی به عنوان شهر مرکزی بحرین نیز به سبب موقعیت علمی و مرکزیت سیاسی شهرتی بسزا یافت.^۱

هم‌زمان با برتری مذهب تشیع و نفوذ عالمان شیعه در دوره پایانی صفویان و فراگیری مذهب تشیع در بخش‌های گسترده‌ای از ایران، مذهب تسنن در شهرها و روستاهای مرزی ایران هنوز ماندگار بود. همین مسئله سبب شد در دوره پایانی صفویه از یک‌ها از شرق و عثمانی‌ها از غرب به مرزهای صفویان هجوم آورند.^۲ پس می‌توان گفت در دوره پایانی حکومت صفوی بافت مذهبی اهل سنت هنوز در برخی جاهای ایران ماندگار بود. از این رو به نظر می‌رسد عالمان شیعی برای گسترش هرچه بیشتر تشیع و هماهنگی آموزه‌های شیعه با اسلام راستین به دیدگاه‌های علمای اهل سنت در آثار خود استناد داده‌اند.

از سویی محرم و برگزاری آیین سوگواری عاشورای حسینی در دوره شاه سلیمان همچون ادوار گذشته صفویان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه اولناریوس در سفرنامه خود می‌نویسد: «در طول مدت سوگواری ایرانی‌ها لباس عزاداری می‌پوشیدند، مکدر و غمگین هستند، موی سر خود را اصلاح نمی‌کنند و این خلاف کردار روزانه آن‌هاست، با قناعت زندگی می‌کنند...»^۳. توجه علما به نگارش درباره عاشورا به موجب مذهب رسمی تشیع و دوستی روزافزون ایرانیان نسبت به اهل بیت (ع) و به‌ویژه امام حسین (ع) در دوره پایانی صفویه همچنان وجود داشت.

بخشی از کتاب مدینه معجزات الأئمة الاثني عشر و دلائل الحُجج علی البشَر نوشته بحرانی درباره عاشورا است. بحرانی نگارش این کتاب را در سوم جمادی الاول سال ۱۰۹۰ هجری به پایان رساند.^۴ بحرانی در این کتاب به نگارش رویداد عاشورا پرداخت و در نگارش عاشورا از آثار اهل سنت نیز بهره برد. میزان بهره‌مندی و استناد ایشان به منابع اهل سنت و چرایی آن بر اساس نوشته خودش مهم است تا بتوان به شناخت اندیشه، رویکرد و اثر بسیار مهم ایشان در زمینه ترویج اندیشه و آیین‌های شیعی، دست یافت.

نویسنده کتاب مدینه معجزات الأئمة را به دوازده باب تقسیم کرده و هر بابی را به بیان معجزات یکی از امامان (ع) اختصاص داده و در مجموع بالغ بر دو هزار و شصت و شش معجزه از معجزات باهرا ایشان را گزارش کرده است. در گزارش برخی معجزات، روایات متعددی هم از مصادر و منابع معتبر فریقین که

۱. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۲۹۸/۵.

۲. جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ۱۲۰/۳.

۳. اولناریوس، سفرنامه آدام الناریوس، ۱۱۰.

۴. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ۲۵۳/۲۰.

برخی از آن ها تاکنون به چاپ نرسیده است، گزارش می کند.^۱

نویسنده در آغاز کتاب بیش از صد کتاب در موضوع امامت که تا زمان وی نوشته شده، نام می برد و به آثاری چون: کتاب الامامة الكبير، ابراهیم بن محمد بن سعید ابن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی؛ کتاب الاستشفاء في الامامة، اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت؛ کتاب امامة علی (ع)، ابن خالویه؛ کتاب الامامة، ابومحمد حکم بن هشام بن حکم اشاره می کند. جلد چهارم این کتاب از سری ۸ جلدی آن به فضایل و کرامات حسنین (ع) اختصاص یافته و ترجمه این بخش کتاب به دست سیدغریب عساکره مجد انجام شده و نویسنده در این کتاب ۲۳۰ نمونه از فضیلت ها و کرامت های آن دو امام را آورده است.

اما در ارتباط با شهادت امام حسین (ع) در کربلا و حوادث بعد از آن، بحرانی به صورت خاص عنایت داشته و همراه معجزات امام (ع)، گزارش هایی درباره عاشورا نیز دارد و با توجه به اینکه منابعی مانند قرب الاسناد حمیری، تاریخ طبری، خرائج الجرائح قطب الدین راوندی به صورت مستقیم و در متن کتاب توسط بحرانی آورده شده، می توان گفت که ایشان بدون واسطه به منابع استنادی در کتاب رجوع داشته است.

هاشم بحرانی همان گونه که در بخش حوادث عاشورا و شهادت امام حسین (ع) در کربلا، معجزات مرتبط با امام (ع) را آورده، در بخش زندگانی امام حسین (ع) نیز همین شیوه را در پی گرفته و از روایان شیعی و سنی و متون شیعه و اهل سنت بهره گرفته است. این کتاب از مهم ترین آثار درباره معجزات ائمه (ع) و دارای ویژگی مهمی است. زیرا در بیشتر موارد به نقل معجزاتی می پردازد که روایان شیعی و سنی در آن اتفاق نظر دارند و برخی از احادیث این کتاب، از روایات صحاح سته اهل سنت و کتابی مورد اعتماد است. نسخه برداری از این کتاب در سال ۱۲۹۰ هجری به قلم علی بن عباس قزوینی انجام شد و نخستین بار پیش از سال ۱۳۰۰ هجری و بار دوم در همین سال چاپ شده است.^۲

۲. بررسی میزان استناددهی مدینه معجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی

البشر

منابع شیعی مورد استفاده در مدینه المعاجز که جلد چهارم آن از سری هشت جلدی به مباحث عاشورا اختصاص دارد، چشم گیر است. منابع شیعی و سنی استناد داده شده در این کتاب توسط بحرانی در این

۱. بحرانی، مدینه معجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۲۰/۱.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ۲۰۳/۲۰.

نگاره در قالب جدول و نمودار ارائه می‌گردد.

۱-۲. جدول و نمودار استناد به منابع شیعی در مدینه معجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج

علی البشر

استنادهای بحرانی به منابع شیعی به سی‌وهشت سند می‌رسد که در جدول زیر میزان استناددهی با

جزئیات نشان داده شده است.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	موضوع	توضیحات	تعداد نقل‌ها
۱	تفسیر الامام العسکری علیه السلام	امام حسن عسکری علیه السلام (د ۲۶۰ق)	تفسیر	(عند السؤال فی القبر ص ۱۲۱) ^۱	۱
۲	بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد	محمد بن حسن الصفار (د ۲۹۰ق)	احادیث کلامی	مؤلف این کتاب از علمای قم و از شاگردان امام حسن عسکری (ع) است. ^۲ ج ۳، ص ۴۳۶، ۵۱۳، ۵۱۶؛ ج ۴، ص ۲۰، ۴۳، ۲۱۹	۶
۳	قُزُبُ الإِسْنَاد	عبد الله بن جعفر الحمیری (سده سوم)	احادیث فقهی تاریخی اخلاقی	حمیری از مشایخ قم بود که در اواخر سده سوم به کوفه رفت و برای مشایخ آن‌ها حدیث گفت. ^۳ ج ۳، ص ۳۹۵؛ ج ۴، ص ۲۲۳	۲
۴	تفسیر قمی	علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ق)	تفسیر	ج ۳، ص ۴۴۵ (در حالی که متن و سند این روایت در تفسیر قمی یافت نشد بلکه در تأویل الآیات این روایت بدست آمد). ^۴ ج ۳، ص ۱۲۸. ج ۴، ص ۱۵۱، ۱۵۳ (دو مورد)	۵
۵	الکافی	محمد بن یعقوب الکلینی (د ۳۲۹ق)	احادیث کلامی و فقهی	ج ۳، ص ۴۴۸، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۰؛ ج ۴، ص ۲۲۴	۶

۱. امام العسکری، تفسیر الإمام العسکری (ع)، ۲۱۰.

۲. صفار، بصائر الدرجات الکبری، ۴.

۳. حمیری، قُزُبُ الإِسْنَاد، مقدمه ۱۱؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۲۱۹.

۴. استرآبادی نجفی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ۳۰۲/۱.

		اخلاقی			
۵	المهدایة فی الفضائل و الریاض یکی از آثار حنینی یا خصیبی است که نجاشی از او با عنوان فاسد المذهب یاد می کند. ۲ ج ۳، ص ۳۹۶، ۵۱۲، ۵۳۴؛ ج ۴، ص ۲۱۶، ۲۲۸	مناقب	الشیخ ابو عبدالله حسین بن حمدان الحنینی الجنبلائی (د ۳۵۸ ق)	هدایة	۶
۷۷	ابن قولویه این کتاب را در فضیلت و چگونگی زیارت معصومان (ع) نگاشته است. ۳ ج ۳، ص ۴۴۴؛ ج ۴، ص ۱۴۱، ۱۴۲ (دو مورد)، ۱۴۳ (دو مورد)، ۱۴۴ (دو مورد)، ۱۴۵ (دو مورد)، ۱۴۶ (سه مورد)، ۱۴۷ (دو مورد)، ۱۴۸، ۱۴۹ (سه مورد)، ۱۵۰، ۱۵۱ (سه مورد)، ۱۵۲، ۱۵۶ (سه مورد)، ۱۵۷ (چهار مورد)، ۱۵۸، ۱۵۹ (دو مورد)، ۱۶۰ (دو مورد)، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴ (دو مورد)، ۱۶۵ (دو مورد)، ۱۶۶ (دو مورد)، ۱۶۹، ۱۷۱ (دو مورد)، ۱۷۴ (دو مورد)، ۱۷۵ (دو مورد)، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰ (دو مورد)، ۱۸۱، ۱۸۲ (دو مورد)، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷ (دو مورد)، ۲۰۳ (دو مورد)، ۲۰۴ (دو مورد)، ۲۰۵ (دو مورد)، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸ (دو مورد)، ۲۰۹	احادیث آداب زیارات	جعفر بن محمد بن جعفر بن قولویه القمی (د ۳۶۸ ق)	کامل الزیارات	۷
۸	ج ۳، ص ۳۹۴، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۷، ۵۳۵؛ ج ۴، ص ۶، ۲۰۱	احادیث اخلاقی	شیخ صدوق (د ۳۸۱ ق)	أمالی صدوق	۸

۱. امین، اعیان الشیعه، ۴۹۰/۶۵.

۲. نجاشی، رجال النجاشی، ۶۷.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۳.

۹	علل الشرایع	شیخ صدوق	احادیث و اخلاق و آداب	ج ۳، ص ۴۲۰، ۴۴۳؛ ج ۴، ص ۲۱۴	۳
۱۰	معانی الاخبار	شیخ صدوق	احادیث کلامی فقهی اخلاقی	ج ۳، ص ۴۴۲، ۴۴۳	۲
۱۱	النصوص علی الأئمة الاثني عشر	شیخ صدوق	احادیث کلامی	در واقع مقصود همان کتاب کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق است. ج ۳، ص ۴۳۲	۱
۱۲	المناقب الفاخرة في العترة الطاهرة	شريف رضى ابوالحسن محمد بن احمد موسوي (د ۴۰۶ ق)	مناقب	ج ۳، ص ۴۱۷، ۵۳۹؛ ج ۴، ص ۵	۳
۱۳	أمالی	شیخ مفید (۴۱۳ ق)	احادیث اخلاقی کلامی تاریخی	ج ۴، ۳۳	۱
۱۴	التهدیب	شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق)	احادیث فقهی و رجالی	حدیثی که از حاضینی نقل شده (ص ۱۴۴) در باب کفارات حدیث ۱۴۴ کتاب التهدیب نیز وارد شده است. ^۱ ج ۳، ص ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۱۰، ۵۰۶؛ ج ۴، ۲۱۳	۵
۱۵	امالی	شیخ طوسی	احادیث اخلاقی	ج ۳، ص ۵۳۴؛ ج ۴، ص ۲۱۷، ۲۰۲، ۹۰	۴
۱۶	عیون المعجزات	حسین بن عبدالوهاب (سده پنجم)	احادیث اخلاق و آداب	هاشم بحرانی در جاهای مختلف کتاب خود، از او به اشتباه با عنوان سید مرتضی و یا سید رضی یاد کرده است. ج ۳، ص ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲؛ ج ۴، ص ۱۱	۴

۱. طوسی، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، ۳۵۴/۵.

بارانی، نعمتی؛ بررسی آماری استنادات گزارش های تاریخی مدینه معجز الأئمة الاثنی عشر ... / ۱۰۱

۱۷	ج ۳، ص ۴۴۶، ۴۴۹ (دو مورد)، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴ (دو مورد)، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۳؛ ج ۴، ص ۲۲۶	تاریخی کلامی	أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (سده پنجم)	دلائل الإمامه	۱۷
۴	در رابطه با شرح حال ابن شاذان رجوع کنید به همین کتاب ^۱ این کتاب شامل صد منقبت از امام علی (ع) است که به فضائل ابن شاذان نیز شهرت دارد. ج ۳، ص ۴۴۴، ۵۳۷؛ ج ۴، ص ۳۱، ۳۹	احادیث مناقب	ابوالحسن بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان القمی الکوفی (سده پنجم)	مائة منقبة	۱۸
۲	ج ۴، ص ۶، ۴۹	احادیث سیره مناقب اخلاق	فتال نیشابوری (د ۵۰۸ ق)	روضه الواعظین	۱۹
۱	کتاب دربردارنده مناظرات و بحث های معصومان ^۲ و بزرگان دین با مخالفان است. ج ۳، ص ۴۹۷	احادیث کلام	شیخ طبرسی (د ۵۴۸ ق)	الإحتجاج	۲۰
۱۱	نویسنده الخرائج و الجرائح از قطب الدین راوندی از علمای سده ششم است. کتاب در باب معجزات پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است. ج ۳، ص ۴۱۴، ۴۲۳، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۲ (دو مورد)، ۵۱۵؛ ج ۴، ص ۱۴۱، ۲۲۴، ۲۲۵	احادیث مناقب	قطب الدین سعید بن هبة الله بن حسن راوندی (د ۵۷۳ ق)	الخرائج و الجرائح	۲۱
۳۶	ج ۳، ص ۴۷۶، ۴۸۳، ۴۹۲، ۴۹۳ (دو مورد)، ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰ (دو مورد)، ۵۰۱، ۵۰۳ (سه مورد)، ۵۰۵ (دو مورد)، ۵۴۲؛ ج ۴، ص ۵، ۳۲، ۸۰، ۸۲، ۸۳ (دو مورد)، ۸۴ (دو مورد)	مناقب	ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ ق)	مناقب آل أبي طالب	۲۲

۱. ابن شاذان، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و أئمة من ولده من طريق العامه، ۱۴-۱۶.

۲. طبرسی، الإحتجاج، مقدمه/۸.

۳. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ۲۳۶/۱۰۲؛ قمی، الکنی و الألقاب، ۷۲/۳.

	مورد)، ۸۵، ۱۱۱ (روایتی به شیخ طوسی نسبت داده شده که در این کتاب یافت نشد اما در مناقب ابن شهر آشوب موجود است). ^۱ ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، (سه مورد) ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۲۲				
۲۳	آقابزرگ تهرانی، محمد الطوسی را از علمای اوایل سده ششم دانسته است. ^۲ این کتاب با نام ثاقب فی المناقب نیز خوانده می‌شود که حاوی معجزات پیامبر (ص) و امامان (ع) است. ^۳ ج ۳، ص ۴۷۷، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۵، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۳۸، ۵۴۰؛ ج ۴ ص ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۴۶، ۵۴، ۸۰، ۸۱ (دو مورد)، ۸۵، ۱۳۶ (دو مورد)	مناقب	محمد بن علی بن حمزه المشهدی الطوسی (اوایل سده ششم)	ثاقب المناقب	۲۳
۱	محمد باقر مجلسی کتاب جامع الاخبار را با توجه به کتاب ریاض العلماء به شعیری نسبت داده است. ^۴ ج ۴، ص ۳۱	احادیث اخلاق و آداب	محمد بن محمد شعیری (سده ششم)	جامع الأخبار	۲۴
۳	آقابزرگ تهرانی، ابن بطریق را از علمای سده هفتم دانسته است. ^۵ نام کامل کتاب العمدة عیون الصحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار است که در مناقب امام علی (ع) و اهل بیت (ع) و به روش حدیثی نوشته شده است. ج ۴، ص ۱۵۳، ۱۵۴ (دو مورد)	مناقب	یحیی بن الحسن بن الحسن بن علی بن محمد بن بطریق (د ۶۰۶ ق)	العمدة	۲۵
۲	(ج ۴، ص ۱۸، ۱۹)	مقتل	ابن نما (د ۶۴۵ ق)	مثیر الأحران	۲۶

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۲۱۶/۳.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ۵/۵.

۳. ابن حمزه الطوسی، الثاقب فی المناقب، ۱۵-۱۶.

۴. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۲۹۸/۱؛ مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ج)، ۱۳۸/۱۴.

۵. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ۸۳/۱.

بارانی، نعمتی؛ بررسی آماری استنادات گزارش های تاریخی مدینه معجز الأئمة الاثنی عشر ... / ۱۰۳

۲۷	طوائف	سید بن طاووس (د ۶۶۴ ق)	کلام	نام کامل کتاب الطوائف فی معرفة المذهب الطوائف از سید ابن طاووس است که در اثبات حقانیت امامت امامان ^(۴) و مذهب شیعه نگاشته شده است. ج ۴، ص ۵۷
۲۸	الیهوف علی قتلی الطفوف	سید بن طاووس	مقتل	ج ۴، ۷۹، ۱۰۲، ۱۳۵
۲۹	الإقبال الأعمال	سید بن طاووس	آداب زیارات	نام کامل کتاب الإقبال الأعمال بالأعمال الحسنة فیما يعمل مرة فی السنة است. کتاب در دوازده قسمت بنا بر تعداد ماه-های سال تقسیم شده اما به دلیل منزلت ماه رمضان ابتدا اعمال این ماه آغاز شده است. ج ۴، ص ۲۱۰، ۲۱۱
۳۰	كشف الغمة	علی بن عیسی إربلی (د ۶۹۲ ق)	احادیث مناقب	نام کامل کتاب كشف الغمة فی معرفة الأئمة است. این نگاره در فضائل معصومان نگارش شده و روایات اهل سنت را بر روایات شیعی مقدم داشته است. ج ۳، ص ۱۸۷، ۱۸۸
۳۱	مشارك الأنوار اليقين في اسرار امير المؤمنين	حافظ رجب البرسی (د سده نهم ۸۱۳ یا ۸۱۵)	مناقب	کتابی است که با شیوه ای بدیع به شرح و تفسیر فضایل اهل بیت (ع) می پردازد. این در حالی است که محسن امین از او با عنوانی فردی که در نوشته هایش غلو دارد یاد می کند. ج ۳، ص ۵۴۷
۳۲	تأويل الآيات الباهرات	شرف الدین علی الحسینی الاسترآبادی (سده دهم)	مناقب	نام منبع تأویل الآيات الظاهرة فی الفضائل العترة الطاهرة از سیدشرف الدین است. ج ۳، ص ۴۲۲، ۴۴۵؛ ج ۴، ص ۳۴، ۳۹، ۵۶ (روایت ۱۱۹ در کتاب با نام ابن

۱. ابن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱۱-۱۲.

۲. ابن طاووس، إقبال بالأعمال الحسنة، ۱/۲۰.

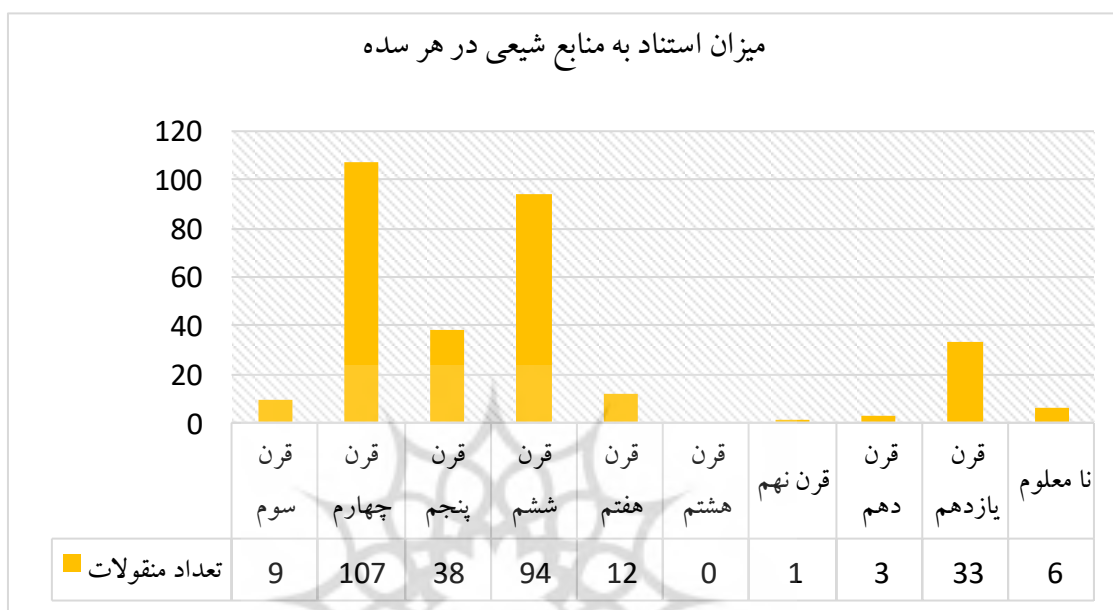
۳. إربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۱/۲۰.

۴. امین، أعيان الشیعه، ۶/۴۶۵.

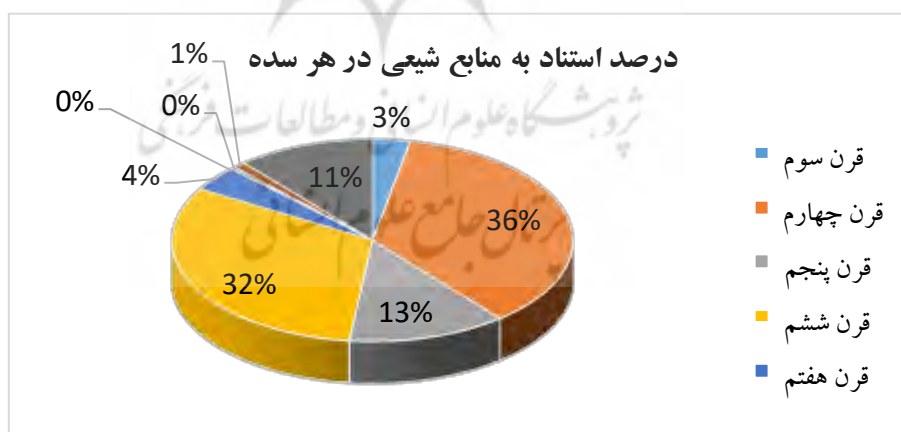
	بابویه در صفحه ۵۵ نقل شده اما در کتابهای شیخ صدوق یافت نشد هرچند که در کتاب تأویل الآیات از ابن بابویه نقل شده است. ^۱				
۳۳	ج ۳، ص ۴۲۳، (۴۲۶ ابن عباس) ^۲ ، ۴۳۱ (۴۴۰) شرحبیل و فی بعض الاخبار، دو مورد) ^۳ ، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۴۷، ج ۴، ص ۱۱، ۱۵، ۳۶، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۶، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۳۰-۲۱۳، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۹۶	مقتل	شیخ فخرالدین نجفی طریحی (د ۱۰۸۵ ق)	المنتخب فی جمع المراثی و الخطب	۳۳
۱	چنین کتابی یافت نشد. اما حدیث مورد نظر در مناقب ابن شهر آشوب آمده است. ^۴ ج ۳، ص ۵۱۸	حدیث	نیشابوری	امالی	۳۴
۱	ج ۳، ص ۵۲۸ (چنین کتابی یافت نشد این در حالی است که در المنتخب طریحی با لفظ « جاء فی بعض الاخبار» ذکر شده است. ^۵	-	-	روضه	۳۵
۶	ج ۳، ص ۵۱۷، ج ۴، ص ۷۰، ۱۲۰-۱۲۶ (چهار مورد)			بدون سند	۳۶

جدول یاد شده آشکار می‌سازد، منابع شیعی سده‌های چهارم و ششم هجری در مدینه المعاجز بیشترین استناد را دارا هستند. چنانچه نمودارهای زیر نمایانگر این میزان است.

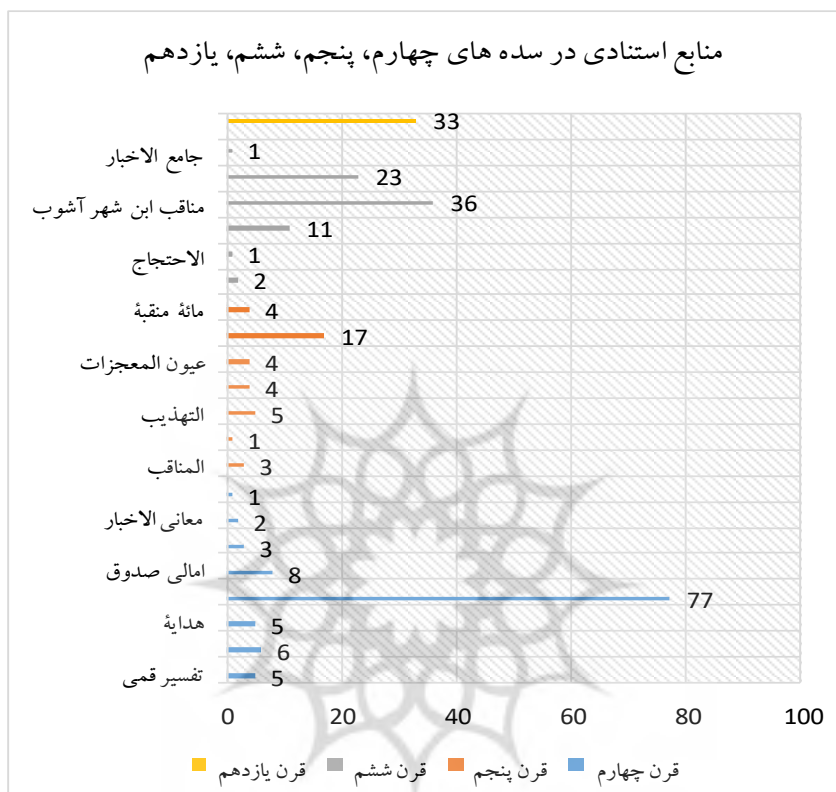
۱. استرآبادی النجفی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ۸۳۴/۲.
 ۲. طریحی، المنتخب فی جمع المراثی و الخطب (الفخری)، ۱۴۶.
 ۳. طریحی، همان، ۶۲، ۵۴.
 ۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۶۱/۳.
 ۵. طریحی، المنتخب فی جمع المراثی و الخطب (الفخری)، ۱۲۳.



نمودار شماره (۱)



نمودار شماره (۲)



ژوبشگاه انجمن مطالعات فربنی
نمودار شماره (۳)

نمودارهای استناددهی منابع شیعی مدینه المعاجز بیانگر این است که دو سده چهارم و ششم به ترتیب با کتب کامل الزیارات ابن قولویه و مناقب ابن شهر آشوب، بیشترین استناد در متون شیعی را به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه سده یازدهم نیز در کنار سده‌های یاد شده با کتاب المنتخب شیخ طریحی استنادات زیادی را داراست. کتاب المنتخب از میان سایر کتب شیعی از اعتبار کمی برخوردار است. شاید بتوان قصد نگارنده از به کارگیری المنتخب را به شیوه‌های مختلفی توجیه نمود. به نظر می‌رسد یکی از این توجیها، گردآوری همه روایات اعجازی درباره واقعه عاشورا، توسط بحرانی باشد.

درباره کتاب کامل الزیارات گفتنی است که بخش بزرگی از آن در زمینه ثواب گریه و سوگواری بر امام حسین (ع)، نماز و زیارت در حرم امام حسین (ع) و همچنین اخبار غیبی پیامبر (ص) درباره شهادت امام

است.^۱ این کتاب سبب شد رویکرد فضیلت‌نگاری و منقبت‌نویسی درباره عاشورا به اوج برسد و ورود اخبار اهل سنت درباره حوادث غیر طبیعی به منابع شیعی، رویکرد سنی مآبانه به منابع شیعی را در پی داشت و از سویی بیشتر روایات ابن قولویه درباره عاشورا ضعیف‌السند بوده و دچار آشفتگی متنی است.^۲ کتاب مناقب آل ابی طالب نیز درباره فضیلت‌نگاری و در پی اثبات حقایق و فضیلت پیشوایان مذهبی شیعه بوده است. روش ابن شهر آشوب در این کتاب چنین بوده که برای گزارش فضائل امامان (ع) در آغاز از منابع اهل سنت بهره می‌گیرد و سپس گزارش‌هایی از منابع شیعه می‌آورد. نکته مهم در نقد این کتاب، برداشت نویسنده است که برای پرهیز از پرگویی بسیاری از سندها را حذف کرده است و دیگر این که بخش‌هایی از روایات را گزینشی آورده است.^۳

المنتخب طریحی نیز در همان دوره بحرانی نوشته شده است. انگیزه نگارش المنتخب گریاندن و برانگیختن مردم به سوگواری بوده و سبکی واعظانه در پیش گرفته و گزارش‌ها را بدون سند و به همراه سروده‌هایی آورده است و به دلیل این که احادیث او مرسل ثبت شده، سره از ناسره در آن آمیخته است. رویکرد کتاب منقبت‌نگاری اهل بیت بوده و تلاش کرده با بیان مرثیه‌سرایانه خود، به برانگیختن احساسات مردم بپردازد. چنین می‌نماید که مجلسی در نگارش بحار به آن اعتماد داشته و هر گزارشی را که در منابع نیافته از المنتخب آورده، در حالی که طریحی بسیاری از گزارش‌های بدون پیشینه را آورده است. بنابراین المنتخب تاریخ‌نگاری علمی زندگی امام حسین (ع) نیست و از روضه الشهداء بسیار تأثیر پذیرفته است.^۴ بر پایه جایگاه علمی منابع استنادی مدینه معجز و میزان استناددهی به منابع شیعی، جایگاه علمی مدینه معجز نیز روشن می‌گردد.

۲-۲. جدول استناد به منابع سنی در مدینه معجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی

البشر

بحرانی برای اثبات امامت ائمه اطهار (ع) روایات و گزارش‌های تاریخی را از منابع شیعی و سنی گردآوری کرده است. جلد چهارم مدینه المعجز که اختصاص به امام حسن و امام حسین (ع) دارد خالی از استناددهی به منابع سنی نیست. شرح استناددهی بحرانی به منابع سنی در مدینه المعجز در جدول زیر قابل مشاهده است.

۱. رفعت و رحمان ستایش، حجازی، «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوته نقد»، ۱۱۱.

۲. رفعت و رحمان ستایش، حجازی، «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوته نقد»، ۱۳۵.

۳. حسینی، «روش‌شناسی کتاب مناقب آل ابی طالب و آسیب‌شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت»، ۱۲، ۱۸.

۴. رفعت، «بازخوانی و نقد روایت‌انگاره‌های طریحی در المنتخب»، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۷.

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده	موضوع	توضیحات	تعداد نقل ها
۱	صحیح مسلم	ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (د ۲۶۱)	احادیث کلامی و فقهی	از کتب صحاح سته است. ج ۴، ص ۱۵۳ گزارش «ما رواه مسلم في صحيحه في اول الجزء الخامس في تفسير قوله سبحانه و تعالی: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ...» در کتاب صحیح مسلم یافت نشد.	۱
۲	تاریخ بلاذری	احمد بن حسن بلاذری (د ۲۷۹ ق)	تاریخ	تاریخ در گذشت بلاذری به صورت دقیق مشخص نیست اما با توجه به نقل ابن عساکر که در زمان معتمد عباسی فوت کرده است، می توان گفت در ۲۷۹ ق وفات یافته است. ^۱ (ج ۴، ص ۱۸) روایت «قال حدث محمد بن يزيد المبرد النحوي» در کتاب تاریخ بلاذری یافت نشد. اما در کتاب مثير الاحزان این نما این روایت پیدا شد. ج ۴ ص ۱۱۴.	۲
۳	تاریخ طبری	أبو جعفر محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ ق)	تاریخ	کتاب تاریخ الأمم و الرسل و الملوك جزء تواریخ عمومی است. ج ۳، ص ۴۴۹؛ ج ۴، ص ۹۰، ۱۱۴، ۴۷۹.	۴
۴	حلیة الأولیاء	حافظ أبی نعیم احمد بن عبدالله إصفهانی (د ۴۳۰ ق)	تراجم	نام کامل کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء در شرح حال اعلام صوفیه و پیشوایان آنان از صحابی پیامبر (ص)، تابعان و... است. ^۳ ج ۴، ص ۳۳	۱
۵	تفسیر ثعلبی	ابو اسحاق احمد بن محمد نیشابوری ثعلبی (د ۴۲۷ ق)	تفسیر	نام کتاب الکشف و البیان عن تفسیر القرآن است. ج ۴، ص ۱۵۳، ۱۵۴	۲
۶	مصابیح السنة	حسین بن مسعود شافعی معروف به فراء بغوی (د ۵۱۶ ق)	حدیث	این کتاب از احادیث صحاح سته بدون ذکر سند گرد آوری شده است. سند روایات به دلیل اختصار ذکر نشده و روایات به دو دسته صحیح و حسن تقسیم شده است. بغوی مبنای این تقسیم	۱

۱. ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۷۵/۶.

۲. ابن نما، مثير الاحزان، ۲۱-۲۲.

۳. ابن نعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء، ۴.

					را این گونه قرار داده است که مقصود از صحیح، روایات دو کتاب بخاری و مسلم و مراد از حسن، روایات سایر کتب است. ج ۴، ص ۱۵۵
۷	الفردوس بمائور الخطاب	شیرویه بن شاهرار بن الملک شیرویه فناخسرو الهمدانی الدیلمی (د ۵۰۹ ق)	احادیث کلامی و فقهی	کتاب فردوس الاخبار بمائور الخطاب از کتاب الشهاب اثر پدر شیرویه است. الشهاب شامل ده هزار حدیث بدون سند است که فرزند شیرویه حافظ در ۴ جلد با عنوان فردوس، گرد آورده است. ج ۴، ص ۲۱۳	
۸	فضائل الصحابه	سمعانی ابوسعید عبدالکریم بن محمّد بن منصور (د ۵۶۴ ق)	تراجم	ج ۴، ص ۲۱۳ گزارش «و روی السمعانی فی فضائل الصحابه، باسناده، عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله - (صلى الله عليه وآله): إن موسى بن عمران - (عليه السلام) - سئل ربه زيارة قبر الحسين بن علي - (عليهما السلام) -، فأذن له فزاره في سبعين ألفاً من الملائكة.» در کامل الزیارات یافت شد. ^۳	
۹	بستان الواعظین	عبدالرحمن بن علی ابن جوزی (د ۵۹۷ ق)	احادیث اخلاق	نام کامل کتاب بستان الواعظین و ریاض السامعین است. ج ۴، ص ۴۳، ۸۶، ۸۷.	

جدول بالا آشکار می سازد منابع سدهٔ چهارم و ششم و گونه های تاریخی و اخلاقی بیشترین میزان استناد را داشته اند. چنانچه تاریخ طبری با ۴ استناد و بستان الواعظین ابن جوزی با ۳ استناد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند. هر چند استناد به منابع تاریخی مانند؛ طبری و بلاذری هر یک با دو استناد نیز دیده می شوند.

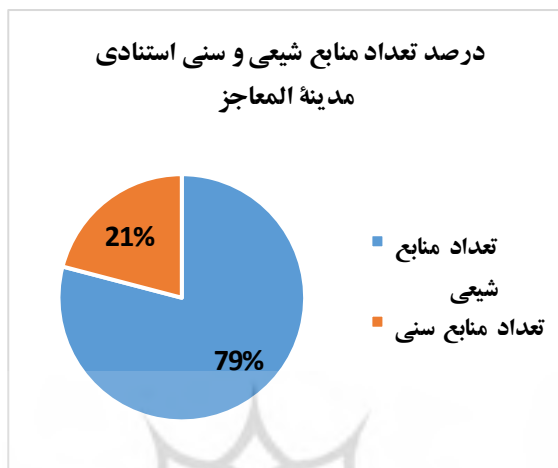
۲-۳. نمودار برابرسنجی استناد به منابع شیعی و سنی در مدینهٔ معجزات الأئمة الاثني عشر

از سویی در برابرسنجی و مقایسه استنادهای منابع شیعی و سنی باید گفت در بررسی میزان استناددهی این کتاب دربارهٔ عاشورا به متون شیعی و سنی در نمودار زیر با توجه به تعداد منابع شیعی و سنی مورد استفاده شده و میزان استناددهی به هر یک از آنها این چنین است:

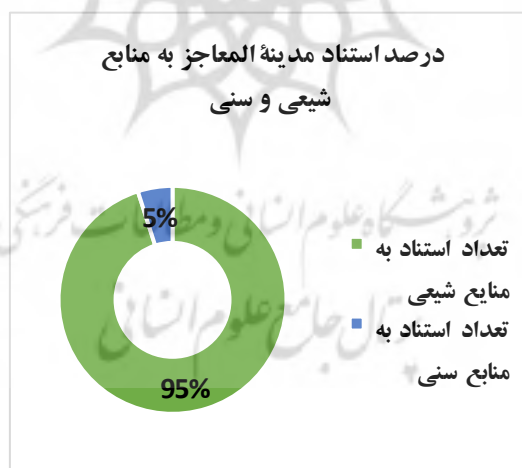
۱. بغوی، مصابیح السنة، ۱/۱۱۰.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ۱۶/۱۶۴.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱/۱۱۲.

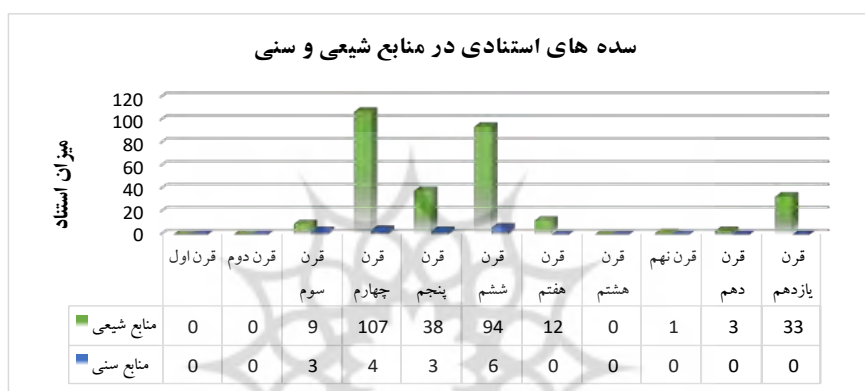


نمودار شماره (۴)



نمودار شماره (۵)

با توجه به نمودار بالا آشکار می‌گردد بحرانی در مدینهٔ معجز بیشترین استناد را به منابع شیعی با ۹۵٪ داشته و منابع سنی با ۵٪ در رتبه بعدی قرار دارد اما آنچه قابل توجه است این است که وی در میزان استناد به منابع متنوع شیعی و سنی اختلاف را مدنظر داشته است. بدین معنا که او همچنانکه از ۳۳ منبع شیعی با ۷۹٪ بهره برده با اختلاف بیشتری از ۹ منبع سنی یعنی ۲۱٪ بهره برده است. نمودار زیر نیز میزان استناد مدینهٔ المعاجز به سده‌های مختلف در هر یک از دو گونه منابع شیعی و سنی را نشان می‌دهد:

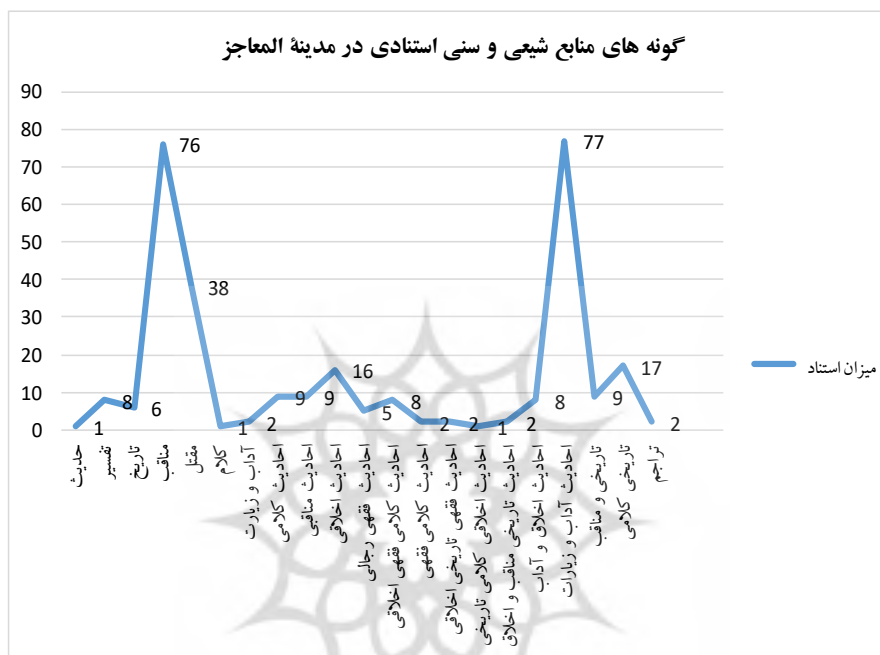


نمودار شماره (۶)

بر پایهٔ نمودار بالا و محتوای جدول‌های استناددهی، در منابع شیعی سدهٔ چهارم و ششم به ترتیب با کامل‌ترین میزان استناد و مناقب ابن شهر آشوب با ۳۶ استناد و در منابع سنی سدهٔ چهارم با تاریخ طبری با ۴ استناد، بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده‌اند. پس بر پایهٔ آن چه به دست آمد، گزارش‌های عاشورا در مدینهٔ المعاجز از مصادر اولیه و کهن بهره بسیار اندکی برده است. چنانچه در منابع شیعی تنها ۸ استناد به متون سدهٔ سوم داده شده و اما سدهٔ میانی چهارم با ۱۰۷ استناد و ششم با ۹۴ استناد، بیشترین میزان را دارا هستند. همچنانکه در منابع سنی نیز مصادر اولیه و کهن کمترین میزان استناد را دارا هستند. زیرا تنها سدهٔ سوم ۳ استناد را داراست و سدهٔ میانی چهارم تا ششم با ۱۳ استناد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

بنابراین با توجه به نوشته‌های بالا کمترین میزان استناد بحرانی در این کتاب به مصادر اولیه و استناد وی به المنتخب طریحی در سدهٔ سوم و حتی استفاده از گزارش‌های فاقد سند است. پس به نظر می‌رسد بخش عاشورای مدینهٔ المعاجز از اعتبار علمی لازم برخوردار نباشد.

اما در رابطه با گونه‌شناسی منابع شیعی و سنی استناد داده شده در مدینه المعاجز، نمودار زیر با توجه به میزان استناددهی به متون شیعی و سنی از لحاظ گونه‌های به کارگرفته شده در آن، این مهم را مشخص می‌نماید:



نمودار شماره (V)

در نمودار بالا در مدینه المعاجز، برخلاف فرضیه که تصور بر این بود، چون محتوا درباره واقعه عاشورا است پس بایسته بود متون تاریخی بیشترین میزان استناد را دارا باشند؛ اما بحرانی از گونه‌های مختلف علوم اسلامی بهره برده، چنان که در منابع شیعی و سنی از گونه‌های حدیثی، تاریخی، تفسیری، اخلاقی، مقتل، فقه، ادعیه و زیارات، منقبتی و کلام بهره برده است. هم‌چنین روشن گردید که بیشترین بهره‌مندی بحرانی در منابع شیعی از متون منقبتی و آداب و زیارات بوده است نه منابع تاریخی. این مسئله سبب شده این منبع از رویکرد تاریخی دور گردد. درباره استناد به متون اهل سنت باید گفت بیشترین استناد به منابع تاریخی با ۴ استناد و سپس متون اخلاقی با ۳ استناد بوده است، هرچند در هریک از این منابع از متون تاریخی بهره اندکی را برده است. بنابراین از رویکرد تاریخی اهل سنت بیشترین بهره را برده است.

۳. استناد بحرانی به متون اهل سنت

پیش از بررسی استناددهی مدینه المعاجز بحرانی به متون اهل سنت درباره عاشورا، باید گفت بحرانی به روایات اهل سنت شناخت و آگاهی داشت. از این رو برای اثبات امامت امام علی (ع) و دیگر امامان (ع) در آثار خود و به ویژه مدینه المعاجز از احادیث اهل سنت بهره برده است. مانند نقل حدیث منزلت درباره امامت امام علی (ع) از یکصد سند عالمان اهل سنت با ذکر نام کتاب در «غایة المرام»^۱. اما در شیوه استناددهی بحرانی به متون اهل سنت در مدینه المعاجز باید گفت وی برای استناد به گزارش های آنان به صورت مستقیم یا با واسطه، عنوان منبع و مؤلف را یاد کرده و یا از الفاظ «العامه» و «المخالفین» بهره برده است.

۳-۱. استناد مستقیم به متون اهل سنت

بحرانی گاه به شیوه مستقیم به متون اهل سنت استناد داده است. استناد به متون اهل سنت در متن کتاب، در ابتدای هر بحث و یا پس از گزارش روایات شیعی آورده شده است. چنانچه در باب معجزات امام علی (ع) و مسئله سلام دادن خورشید به امام، عبارت چنین است: «من طریق المخالفین: صدر الأئمة عند المخالفین موفق بن احمد الخوارزمي الخطيب في كتاب مناقب امير المؤمنين - (عليه السلام) - قال لعلّي بن أبي طالب: يا أبا الحسن كلم الشمس فأنها تكلمك...» که در آغاز آورده و به کتاب مناقب خوارزمی استناد داده است.^۲ وی در بحث جانشینی امام (ع)^۳ نیز چنین کرده است.

بنابراین بحرانی استناد به متون اهل سنت را نیاز داشته است. استناد دادن به متون اهل سنت درباره امام حسین (ع) نیز با عبارت «من طریق المخالفین» در معجزات امام حسین (ع) آورده و پس از استناد به متون شیعی آن را آورده است. مانند: «و من طریق المخالفین، و ما ذكره في الجزء الثالث من حلیة الأولیاء أبو نعیم: بالاسناد،...» که در مبحث سید شباب اهل الجنة بودن امام بیان شده است.^۴ هم چنین در این باب، برای بحث گریه آسمان و زمین بر امام حسین (ع) و یحیی نبی از این عبارت بهره برده است: «و من طریق المخالفین، ما رواه مسلم في صحيحه في اول الجزء الخامس في تفسير قوله سبحانه و تعالی: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ الْآیة و بالاسناد المتقدم...»^۵.

بحرانی از استناد به متون اهل سنت به صورت مستقیم با نام مؤلف و کتاب بدون واسطه عبارات فوق و

۱. بحرانی، غایة المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طریق الخاص والعام، ۵۹/۱، ۶۵، ۷۷، ۸۰.

۲. بحرانی، مدینه معجزات الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۲۲۳/۱ و ۲۲۴.

۳. بحرانی، همان، ۲۲۳/۲.

۴. بحرانی، همان، ۳۳/۴.

۵. بحرانی، همان، ۱۵۳/۴.

منابع شیعی بهره برده است. همچنین از متون تاریخی اهل سنت در گزارش وقایع عاشورا استفاده شده است. همچنان که هاشم بحرانی درباره رویدادهای عاشورا، گزارش زن خولی از حضور سر مبارک امام حسین (ع) در خانه‌اش را به گونه مستقیم به تاریخ بلاذری و طبری سنی استناد داده است: «تاریخ البلاذری والطبري: أن الحضرمية امرأة خولي بن يزيد الأصبحي قالت: وضع خولي رأس الحسين تحت إجانة في الدار، فوالله ما زلت أنظر إلى نور يسطع مثل العمود من السماء إلى الإجانة، ورأيت طيرا يرفرف حولها».^۱ همان گونه که در بحث انتقام از بینندگان منفعل در واقعه عاشورا، مستقیم به بستان الواعظین ابن جوزی استناد داده است: «بستان الواعظین: قال الحرّ بن رباح القاضي: رأيت رجلا مكفؤفا، قد شهد قتل الحسين - (عليه السلام) - و كان الناس يأتونه ويسألونه عن ذهاب بصره...».^۲

تعبیر دیگری که بحرانی به کار برده واژه «العامّة» است. بحرانی در جمله‌های چندی برای گزارش از متون اهل سنت درباره معجزات امامان (ع) از آن بهره برده است. هم چون عبارات «في كتب الخاصّة و العامّة»^۳، «من طرق الخاصّة و العامّة»^۴ و «روته العامّة في كتبهم».^۵ بحرانی در برخی از موارد مانند باب مکتوب به «الحسن و الحسين صفوة الله» پس از ذکر روایات از منابع شیعی به کثرت این روایات در متون اهل سنت باور دارد: «الروایات كثيرة تقدم كثير منها من طرق الخاصّة و العامّة في معاجز أمير المؤمنين - (عليه السلام)»^۶ و این باور را در جامعه گسترش می‌دهد تا هم اتمام حجتی بر اهل سنت باشد و هم برای شیعه شدگان که راه درستی در پیش گرفته‌اند.

برخی گزارش‌های عاشورا، به بیان مذمت قاتلان امام (ع) و چگونگی مرگ و عذاب آنان دلالت دارد. بحرانی در مدینه المعاجز نیز در باب انتقام از قاتلان و دشمنان امام حسین (ع) دو گزارش مستقیم از ابن جوزی در بستان الواعظین می‌آورد.^۷

هاشم بحرانی گزارشی از تاریخ طبری آورده که مختار تا کشتن قاتلان امام حسین (ع) دست از خوردن آب و غذا کشید: «تاریخ الطبري: قال: إن المختار تجرد لقتله الحسين عليهم السلام فقال: اطلبوهم، فإنه لا يسوغ لي الطعام و الشراب، حتى اطهر الأرض منهم».^۸ از تاریخ بلاذری در باب فضایل حسنین (ع) جریان کبوتر و مراقبت آن دو امام از او و فخر هریک از

۱. بحرانی، مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج على البشر، ۱۱۴/۴.

۲. بحرانی، همان، ۸۶/۴.

۳. بحرانی، همان، ۱۸۰/۷، ۱۵۱/۲، ۳۱۱/۱.

۴. بحرانی، همان، ۴۴۰/۲.

۵. بحرانی، همان، ۵۶/۱.

۶. بحرانی، همان، ۳۱/۴.

۷. بحرانی، همان، ۸۶، ۸۷/۴.

۸. بحرانی، همان، ۹۰/۴.

آنان بر دیگری از این جنبه که امام حسن (ع) را پیامبر (ص) و امام حسین (ع) را جبرئیل حمل کرده، حکایت می کند: «تاریخ البلاذري: قال حدث محمد بن يزيد المبرد النحوي باسناد ذكره قال: انصرف النبي - (صلى الله عليه وآله) ... ثم حمل الحسن على كتفه اليمنى والحسين على كتفه اليسرى فنزل جبرائيل (عليه السلام) فاخذ الحسين (عليه السلام) وحملة فكانا بعد ذلك يفتخران فيقول الحسن (عليه السلام) حملني خير أهل الأرض فيقول الحسين حملني خير أهل السماء وفي ذلك قال حسان بن ثابت^۱. در جای دیگر در بخش «ذكر دابة البحر له» فضایل اهل بیت (ع) را مستقیماً به بستان الواعظین ابن جوزی استناد می دهد: «صاحب بستان الواعظین: قال: روي عن محمد بن إدريس، قال: رأيت بمكة اسقفا، وهو يطوف بالكعبة، فقلت له: ما الذي رغبتك عن دين آبائك؟...»^۲.

۲-۳. استناد با واسطه به متون اهل سنت

نویسنده مدینه المعجز از متون اهل سنت با واسطه متون شیعی نیز بهره برده است. چنان که در باب امام حسین (ع) مبحث استجاب دعای امام در حق مردی با واسطه از ابن شهر آشوب به تاریخ طبری استناد نموده است: «ابن شهر آشوب: من تاریخ الطبري ان رجلا من كندة، يقال له مالك بن اليسر، أتى الحسين - (عليه السلام) - بعد ما ضعف من كثرة الجراحات فضربه على رأسه بالسيف، وعليه برنس من خز...». بحرانی در جای دیگر با عبارت «روي من طريق العامة» استناد با واسطه به مناقب ابن شهر آشوب بدون ذکر منبع اهل سنت در باب امام رضا (ع) مبحث علم امام به أجل داشته است.^۳

بحرانی در جای دیگر کتاب پس از آوردن منبع شیعی مانند مائة المنقبه با استفاده از «من طرق العامة» اظهار داشته این روایت در سلسله اسناد اهل سنت وجود دارد: «الفقيه أبو الحسن محمد بن أحمد الشاذلي في المناقب المائة: من طرق العامة، عن ابن عباس، قال: سمعت رسول الله - (صلى الله عليه وآله) - قول: لَمَّا اسرى بي إلى السماء ما مررت بملا من الملائكة، إلا سألتوني عن علي بن أبي طالب - (عليه السلام) - حتى ظننت أن اسم علي أشهر في السماء من اسمي (في الأرض)...»^۴.

در مدینه المعجز، باب امام علی (ع)، مبحث امام علی (ع)، بر دار پیامبر (ص) است، دیده شد که بحرانی متون اهل سنت و شیعی را در کنار یکدیگر نام برده بدون آن که جداسازی برای آن ها در نظر بگیرد و تنها در پایان نوشته که «هذا الحديث روته الخاصة والعامة كما ترى»^۵. بحرانی در باب امام علی (ع)

۱. بحرانی، همان، ۱۸/۴-۱۹.

۲. بحرانی، همان، ۴۳/۴-۴۵.

۳. بحرانی، مدینه معجز الأئمة الاثني عشر ودلائل الحجج على البشر، ۹۱/۱.

۴. بحرانی، همان، ۳۱۰/۲، ۴۰۱/۲، ۴۱۰، ۴۳۹، ۱۵۱/۱.

۵. بحرانی، همان، ۳۵۷/۲.

مبحث مدح امام علی (ع) توسط خدای متعال نزد ملائکه با استناد به مائة منقبة شاذان من طرق العامة و در ادامه استناد به مناقب خوارزمی در پایان می نویسد: «الروایات و الأخبار بما یوازن ذلك و یضاهیه کثیرة من طرق الخاصة و العامة یطلع علیها من تطلع فی الحدیث من كتب الخاصة و العامة و هذا القسم أيضا من باب المعجزات و الدلالات و الآیات و هذا واضح لا مرية فیہ و لا شك یعتریه، و هذا من فعل الله سبحانه لا یفعله إلا نبی أو وصی إمام و الحمد لله»^۱.

بنابراین درباره استناد بحرانی به متون اهل سنت در مدینه المعاجز باید گفت وی رویکردی همسوجویانه نسبت به این متون داشته تا در کنار متون شیعی به زمینه سازی برای گروه به تشیع پردازد. از سوی دیگر وی در پایداری مردم و شاهان در راه گسترش تشیع همت گمارده و به تقویت باورهای شیعه در برگزاری آیین عاشورا می پردازد.

بحرانی در گزارش فضائل امام حسین (ع) همچنانکه حدیث مشهور پیامبر (ص) «حسین از من است و من از حسینم» را از مصابیح السنة، برای تقویت روایات شیعی در فضائل امام (ع) بیان می کند: «و من كتاب المصابیح تصنیف أبی محمد الحسین ابن مسعود الفراء فی آخر کراس من الكتاب: باسناده، عن یعلی بن مرة قال: قال رسول الله - (صلی الله علیه و آله) -: حسین منی، و أنا من حسین»^۲.

بنابراین با توجه به استناد به گزارش های متون اهل سنت در مدینه المعاجز می توان گفت بحرانی به دلایلی مانند؛ اتمام حجت بر اهل سنت، زمینه سازی برای گروه اهل سنت به آیین های عاشورایی و تقویت باورهای شیعی، از این گزارش ها هر چند به میزان بسیار کمتر از گزارش های مستند به منابع شیعی بهره برده است.

نتیجه

دوره فرود حکومت صفویه در زمان شاه سلیمان با سیاست پشتیبانی از عالمان شیعه و به ویژه عالمان بحرین و افرادی چون بحرانی همراه بود. بحرانی دارای آثار برجسته ای مانند تفسیر البرهان بود. وی برای اثبات امامت ائمه (ع) کتاب مدینه العاجز را نگاشت. جلد چهارم این کتاب درباره عاشورا است. با بررسی گزارش های عاشورایی کتاب و میزان استنادهای آن به منابع کهن و گونه های منابع استنادی آن، جایگاه علمی کتاب روشن گردید. با توجه به ۹۵٪ میزان استناد به منابع شیعی و ۵٪ میزان استناد به منابع سنی باید گفت این اختلاف زیاد معنادار است و نگرش نویسندگان را نشان می دهد. در بررسی فرضیه اول و بهره یکسان بحرانی از منابع شیعی و سنی نیز گفتنی است که این فرضیه رد می شود و هم چنین استناد بیشتر به

۱. بحرانی، همان، ۳۳۹/۲ و ۴۴۰.

۲. بحرانی، همان، ۱۵۴/۴.

منابع روایی اثبات گردید. اما فرضیه دوم در استناد به منابع سده های نزدیک به دوره صفویه نیز رد گردید و استناد به منابع سده های میانی یعنی سده چهارم و پس از آن اثبات گردید. هم چنین بیشترین میزان بهره-مندی عاشورانگاری از منابع شیعی در سده های چهارم و ششم به ترتیب با استناد به کامل الزیارات ابن قولویه و مناقب ابن شهر آشوب و منابع سنی در سده چهارم و ششم با استناد به تاریخ طبری و بستان الواعظین اثبات شد. بنابراین روشن گردید گزارش های عاشورایی کتاب از منظر زمانی و استناد به منابع سده های میانی، از جایگاه علمی نسبی برخوردار است.

هم چنین بیشترین میزان استناد کتاب درباره عاشورا از میان گونه های مختلف منابع در منابع شیعی به ادعیه و زیارات با کامل الزیارات ابن قولویه با ۷۷ استناد و به مناقب آن هم مناقب ابن شهر آشوب با ۳۶ استناد است. در منابع سنی نیز به تاریخ طبری با ۴ استناد و بستان الواعظین با ۳ استناد بوده است. بنابراین در زمینه استناد به منابع تاریخی معتبر سده های نخست، از جایگاه علمی مناسبی برخوردار نیست.

مسئله دیگر این که استناد به منابع هم دوره خود، مانند المنتخب طریحی که برای واعظان همان دوره نوشته شده بود، شاخص جایگاه علمی این کتاب بوده و با توجه به اینکه المنتخب، منبع علمی و معتبری نبوده و تنها برای گریاندن و سوگواری نوشته شده بود، باید گفت جایگاه مدینه المعاجز نیز چنین بوده است. بررسی دلایل استناد به متون سنی نیز چنین می رساند که استناد درباره عاشورا به متون اهل سنت با دیدگاه همسوجویانه نویسنده نه هم گرایانه وی بوده است. زیرا با توجه به موضع استناد به این گزارش ها در مدینه المعاجز و بررسی آن ها، روشن گردید استنادهای مستقیم به منابع اهل سنت و استنادهای با واسطه از منابع شیعی دیگر به منابع اهل سنت را دنبال کرده و می توان گفت از دلایل این گونه استنادها با توجه به بستر زمانی و مکانی دوره صفویه، به منظور اتمام حجت بر اهل سنت، زمینه سازی در گروش اهل سنت به آیین عاشورا و هم چنین تقویت باورهای شیعیان، در پی همسو ساختن اهل سنت و یا کسانی که به شیوه ای شیعه شده بودند، بوده است و استناد هم گرایانه بر پایه باور به جایگاه علمی آن منابع نمودی در این کتاب ندارد.

فهرست منابع

ابن حمزة الطوسی، محمد بن علی. الثاقب فی المناقب. به تحقیق نبیل رضا علوان. چاپ سوم. قم: انصاریان، ۱۳۷۷ش.

ابن شاذان، محمد بن احمد. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علی بن ابی طالب و أئمة من ولده من طریق العامه. چاپ دوم. قم: انصاریان، ۱۴۱۳ ق.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابي طالب. نجف: الحيدرية، ۱۳۷۶ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسى. إقبال بالأعمال الحسنة. به تحقیق جواد القيومي الاصفهانی. قم: مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۸ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسى. الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف. قم: الخيام، ۱۳۹۹ ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن. تاريخ مدينة دمشق. به تحقیق علی شیری. بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن قُورُوبه، جعفر بن محمد. كامل الزيارات. به تحقیق عبدالحسين امينی. نجف: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش.
- ابن نما، جعفر بن محمد. مثير الاحزان. قم: مدرسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۶ ق.
- ابونعيم، احمد بن عبدالله. حلية الاولياء و طبقات الأصفياء. قاهره: دار أم القرى، بی تا.
- إربلی، علی بن عيسى. كشف الغمة في معرفة الائمة. قم: الشريف، ۱۴۲۱ ق.
- استرآبادی النجفی، شرف الدين. تأويل الايات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. قم: مدرسة الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۷ ق.
- افندی اصفهانی، عبدالله بن عيسى بیگ. رياض العلماء و حياض الفضلاء. به تحقیق احمد حسینی اشكوری، به-اهتمام محمود مرعشی. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۱ ق.
- امام العسكري. تفسیر الإمام العسكري (ع). تحقیق مدرسة الإمام المهدي (ع). قم: مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- امین، محسن. أعيان الشيعة. بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
- اولتاریوس، آدام. سفرنامه آدام الناریوس. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳ ش.
- آقابزرگ تهرانی. الذریعة إلى تصانیف الشيعة. چاپ سوم. بيروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
- بحرانی، هشام بن سلیمان. غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص والعام. به تحقیق علی عاشور. بيروت: التاريخ العربي، ۱۴۲۲ ق.
- بحرانی، هشام بن سلیمان. مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر. به تصحيح عزت الله مولای نیا همدانی. قم: مؤسسة معارف الإسلامیه، ۱۴۱۴ ق.
- بحرانی، يوسف بن احمد. لؤلؤة البحرين في الإجازات و تراجم الرجال الحديث. به تحقیق سيد صادق بحر العلوم. چاپ دوم. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.
- بغوی، حسین بن المسعود. مصابيح السنة. به تحقیق يوسف بن عبدالحمن المرعشلی، جمال حمدی ذهبی، محمد سلیم بن سماره. بيروت: دار المعرفة، ۱۴۰۷ ق.
- پیرزاده زاهدی، شیخ حسین. سلسله النسب صفویه. برلین: چاپخانه ایرانشهر، ۱۳۴۴ ق.
- جعفریان، رسول. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
- حسینی، زینب السادات. «روش شناسی کتاب مناقب آل ابي طالب و آسب شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت».

- حدیث و اندیشه، ش. ۲۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۵ - ۲۳.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. فُزُبُ الإِشْنَاد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
- خاتون آبادی، عبدالحسین. وقایع السنین و الاعوام. به کوشش محمدباقر بهبودی. تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲ ش.
- خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین. روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات. به تحقیق اسدالله اسماعیلیان. قم: دهاقانی (اسماعیلیان)، بی تا.
- رفعت، محسن و محمدکاظم رحمان ستایش، مریم السادات حجازی. «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوتہ نقد». شیعه پژوهی، سال سوم، ش. ۱۲ (پاییز ۱۳۹۶): ۱۰۷ - ۱۴۰.
- رفعت، محسن. «بازخوانی و نقد روایت انگاره های طریحی در المنتخب». شیعه پژوهی، سال هفتم، ش. ۲۰ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۱۹۳ - ۲۲۸.
- رنجبر، محسن. «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۳)». تاریخ در آینه پژوهش، ش. ۱۶ (زمستان ۱۳۸۶): ۸۳ - ۱۲۱.
- رنجبر، محسن. جریان شناسی تاریخی قرائت ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ ش.
- شاردن، ژان. سفرنامه. ترجمه حسین هژبریان و حسن اسدی. تهران: نشر روز فرزاد، ۱۳۸۴ ش.
- صدری، منیره و رحیم نیکبخت. «نقشه ای مهم از ایران عصر صفوی موجود در آرشیو عثمانی». پیام بهارستان، سال اول، ش. ۴ (تابستان ۱۳۸۸): ۱۱۷۱ - ۱۱۷۵.
- صفار، محمّد بن حسن. بصائر الدرجات الكبرى. تهران: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۲ ش.
- طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج. به تصحیح محمدباقر موسوی خراسانی. مشهد: المرّضی، ۱۴۰۳ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمّد. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب (الفخری). به تصحیح علی نضال. بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۴۲۴ ق.
- طوسی، محمّد بن جعفر. تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید. به تحقیق علی آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب العلمیة، ۱۳۶۵ ق.
- قمی، عباس. الکنی و الألقاب، چاپ پنجم. تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). به تصحیح محمّد باقر محمودی. به تحقیق عبدالزّهراء علوی. بیروت: مؤسسه الوفاء، بی تا.
- میراحمدی، مریم. دین و مذهب در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. به تحقیق موسی الشیبیری الزنجانی. چاپ ششم. قم: مؤسسه النشر
الإسلامی، ۱۳۶۵ ش.

Abū Na‘im, Aḥmad ibn ‘Abd Allāh. *Ḥilya al-Aūliyā’ wa Ṭabaqāt al-Aṣṣṭiyā’*.
Cairo: Dār Um al-Qurā, n.d.

Afandī Isfahānī, ‘Abd Allāh ibn ‘Iīsā Bīg. *Ryāz al-‘Ulamā’ wa Ḥayāz al-
Fuḍalā’*. researched by Aḥmad Ḥusaynī Ashkivarī, Maḥmūd Mar‘ashī,
Qum: Kitābkhānih U‘mumī Āyat Allāh Mar‘ashī Najafī, 1981/1401.

Amīn, Muḥsin. *A ‘yān al-Shi‘a*. Beirut: Dār al-Ta‘ārf l-Imaṭbū‘āt, 1983/1403.
Āqā Buzurg Tehranī. *al-Dharī‘a Ilā Taṣānīf al-Shi‘a*. Chāp 3, Beirut: Dār al-
Aḍvā’, 1983/1403.

Baghawī, Ḥusayn ibn al-Mas‘ūd. *Maṣābīh al-Suna*. researched by Yūsuf ibn
Abd al-Raḥmān al-Mara’shlī, Jamāl Ḥamdī Zahabī, Muḥammad Salīm ibn
Samāra, Beirut: Dar al-Ma‘rifa, 1987/1407.

Baḥrānī, Hishām ibn Suliymān, *Ghāya al-Marām wa Ḥuja al-Khiṣām fī
Ta‘yīn al-Imām min Ṭarīq al-Khāṣ wa al-‘Ām*, researched by ‘Alī ‘Āshur,
Beirut: al-Tārīkh al-‘Atabī, 2002/1422.

Baḥrānī, Hishām ibn Suliymān. *Madīna Ma‘āz A‘imma al-Ithnā ‘Ashar wa
Dalā’il al-Ḥujj ‘Alā al-Bashar*, ed. ‘Izat Allāh Mulāy Nīyā Hamidānī. Qum:
Mū’assisa Ma‘ārif al-Islāmīyya, 1994/1414.

Baḥrānī, Yūsuf ibn Aḥmad. *Lu‘lu’ al-Baḥryn fī al-Ijāzāt wa Trājum al-Rjāl
al-Ḥadīth*, researched by Sayyid Ṣādiq Baḥr al-‘Ulum. Chāp2, Qum:
Mū’assisa Āl al-Biyt (AS) L-Īhyā’ al-Turāth, n.d.

Chardin, Jean. *Safarnāmih*, translated by Ḥusayn Huzhabrīyān va Ḥasan
Asadī. Tehran: Nashr Rūz Farzān, 2005/1384.

Ḥimyarī, ‘Abd Allāh ibn Ja‘far. *Qurb al-Asnād*. Qum. Mū’assisa Āl
Biyt(AS), 1993/1413.

Ḥusaynī, Zīnab al-Sādāt. “Ravishshināsī Kitāb-i Manāqib Āl Abī Ṭālib va
Āsībshināsī Ān dar Naql az Manābi‘ Aḥl-i Sunat” no.21(spring and summer
2016/1395): 5-23.

Ibn 'Asākir, 'Alī ibn Ḥasan. *Tārīkh-i al-Madīna Dimashq*. researched by 'Alī Shīrī: Beirut: Dār al-Fikr, 1995/1415.

Ibn Ḥamza al-Ṭusī, Muḥammad ibn 'Alī. *al-Thāqib fī al-Manāqib*. researched by Nabīl Rizā 'Alavān. Chāp 3, Qum: Anṣārīyān, 1998/1377.

Ibn Namā, Ja'far ibn Muḥammad. *Mathīr al-Aḥzān*. Qum: Madrasa al-Imām al-Maḥdī(AS), 1986/1406.

Ibn Quliwayh, Ja'far ibn Muḥammad. *Kāmil al-Ziyārāt*. researched by 'Abd al-Ḥusayn Amīnī. Najaf: Dār al-Murtaẓavīya, 1977/1356.

Ibn Shādhān, Muḥammad ibn Aḥmad, *Mia'a Manqaba min Manāqib Amīr al-Mū'minīn 'Alī ibn Abī Ṭālib va A'imma min wuldih min Ṭarīq al-'Āmma*. Chāp2: Qum: Anṣārīyān, 1993/1413.

Ibn Shahr Āshub, Muḥammad ibn 'Alī. *Manāqib Āl-I Abī Ṭālib*. Najaf: al-Hydarīyya, 1957/1376.

Ibn Ṭāwus, 'Alī ibn Mūsā. *al-Ṭarāi' fī Ma'rafa Madhāb al-Ṭavā'if*. Qum: al-Khayām, 1979/1399.

Ibn Ṭāwus, 'Alī ibn Mūsā. *Iqbāl b-al-'Amāl al-Ḥasana*. researched by Javād al-Qayūmī al-Isfahānī: Qum: Markaz al-Nashr al-Tābi' l-Maktab al-'Alām al-Islāmī, 1998/1418.

Imām al-'Askarī. *Tafsīr Al-Imām al-'Askarī(AS)*. researched by Madrasa al-Imām al-Maḥdī (AS). Qum: Madrasa al-Imām al-Maḥdī (AS), 1989/1409.

Irbilī, 'Alī ibn 'Īsā. *Kashf al-Ghumia fī Ma'rafa A'imma*. Qum: al-Sharīf, 2001/1421.

Istarābādī al-Najafī, Sharaf al-Dīn. *Ta'wīl al-Āyāt al-Zāhira fī Faḍā'il al-'Atra al-Ṭāhira*. Qum: Madrasa al-Imām al-Maḥdī(AS), 1987/1407.

Ja'farīyān, Rasūl. *Ṣafavīyih dar 'Arṣirih Din, Farhang va Sīyāsāt*. Qum: Pazhūhīshkadīh Ḥūzīh va Dānīshgāh, 2000/1379.

Khānsārī, Muḥammad Bāqir ibn Zayn al-'Ābidīn. *Rūzāt al-Janāt fī Aḥvāl al-'Ulamā' va al-Sādāt*. researched by Asad Allāh Ismā'ilīyān. Qum: Dihāqānī

(Ismā'ilīyān), n.d.

Khātun Ābādī, 'Abd al-Ḥusayn. *Vaqāy' al-Sinyn va al-A'vām*. Ed. Muḥammad Bāqir Bihbūdī. Tehran: Kitābfurūshī Islāmī, 1973/1352.

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anvār al-Jāmi'a l-Durr Akhbār A'imma al-Aḥḥār*, ed. Muḥammad Bāqir Maḥmudī, researched by 'Abd al-Zahrā' 'Alawī. Beirut: Mū'assisa al-wafā', n.d.

Mīr Aḥmadī, Maryam, *Dīn va Mazhab dar 'Aṣri Ṣafavī*. Tehran: Amīr Kabīr, 1984/1363.

Najāsh, Aḥmad ibn 'Alī. *Rijāl al-Najāsh*. researched by Musā al-Shubiyri al-Zanjānī. Chāp6, Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1986/1365.

Olearius, Adam, *Safarnāmiḥ Olearius*. Tehran: Sāzīmān-i Intishārātī va Farhangī Ibtikār, 1984/1363.

Pīrzādih Zāhidī, Shiykh Ḥusayn. *Silsila al-Nasab Ṣafavīyḥ*. Birlyin: Chāpkhānih Īranshahr, 1926/1344.

Qumī, 'Abās. *al-Kinī va al-Alqāb*. Tehran: Maktaba al-Ṣadr, 1989/1368.

Raf'at, Muḥsin. "Bāzkhānī va Naqd-i Rivāyat Ingārihhāy Tarīḥī dar al-Muntakhab". *Shi'a Pazhūhī*, yr.7, no20(spring and summer2021/1400):193-228

Raf'at, Muḥsin; Raḥmān Sitāysh Muḥammad Kāzim, Hījāzī, Maryam al-Sādāt. "Rivāyāt 'Āshūrāyī Kāmil al-Ziyārāt dar Būtiḥ Naqd". *Shi'a Pazhūhī*, yr.3, no12(autumn2017/1396): 107-140.

Ranjbar, Muḥsin, "Sīyri dar Maqṭal Nivīsī va Tārīkh Nigāri 'Āshūrā az Āghāz tā 'Aṣri Ḥāzīr (3)". *Tārīkh Islām dar Āynih Pazhūhish*, no.16(winter 2007/1386): 83-121.

Ranjbar, Muḥsin. *Jarīyān Shināsī Tārīkhī Qirā'athā va Rūkardhāy 'Āshūrā az Ṣafavīyḥ ta Mashrūṭih Ba Ta'kid bar Maqātil*. Chāp 2, Qum: Mū'assisa Āmūzishī va Pazhūhīsh Imām Khumiynī, 2013/1392.

Ṣadrī, Manīzhīh; Nikbakht, Raḥīm. "Naqshih-ī Muhim za Irān 'Aṣri Ṣafavī Majūd dar Ārshiv 'Uṣmānī", *Payām Bahārstān*, yr.1, no.4, (summer 2009

/1388): 1171-1175.

Şafār, Muḥammad ibn Ḥasan. *Başāi'r al-Darajāt al-Kubrā*. Tehran: Mū'assisa al-A'alamī, 1983/1362.

Savory, Roger, *Irān 'Aşri Şafavī. translated by Kāmbīz 'Azīzī*. Tehran: Nashr Markaz, 1993/1372.

Ṭabarsī, Aḥmad ibn 'Alī. *al-Iḥtijāj*. Ed. Muḥammad Bāqir Musavī Khurāsānī. Mashhad: al-Murtizā, 1983/1403.

Ṭarīhī, Fakhar al-Din ibn Muḥammad. *al-Muntakhab fī Jam' al-Marāthī wa al-Khaṭab(al-Fakhrī)*. Ed. 'Alī Naḍāl. Beirut: Mū'assisa A'alamī al-Maṭbū'at, 2004 /1424.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ja'far. *Tahdhib al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqana'a li-Shīkh al-Mufīd*. researched by 'Alī Ākhundī, Chāp 4, Tehran: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1986/1365.

